

شادی در آسمان

¹ و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از گروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند: هَلَلُویاه! نجات و جلال و اکرام و قوّت از آن خدای ما است،² زیرا که احکام او راست و عدل است، چونکه داوری نمود بر فاحشه بزرگ که جهان را به زناى خود فاسد می‌گردانید و انتقام خون بندگان خود را از دست او کشید.³ و بار دیگر گفتند: هَلَلُویاه، و دودش تا ابدالآباد بالا می‌رود!⁴ و آن بیست و چهار پیر و چهار حیوان به روی درافتاده، خدایی را که بر تخت نشسته است سجده نمودند و گفتند: آمین، هَلَلُویاه!⁵ و آوازی از تخت بیرون آمده، گفت: حمد نمایم خدای ما را، ای تمامی بندگان او و ترسندگان، او چه کبیر و چه صغیر!⁶ و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آواز آبهای فراوان و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: هَلَلُویاه، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است!⁷ شادی و وجد نمایم و او را تمجید کنیم زیرا که نکاح بَرّه رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است.⁸ و به او داده شد که به کتان پاک و روشن خود را بپوشاند، زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدّسین است.

⁹ و مرا گفت: بنویس، خوشبحال آنانی که به بزم نکاح بَرّه دعوت شده‌اند. و نیز مرا گفت که: این است کلام راست خدا.¹⁰ و نزد پایهایش افتادم تا او را سجده کنم، او به من گفت: زنه‌ار چنین نکنی زیرا که من با تو هم‌خدمت هستم و با برادرانت که شهادت عیسی را دارند. خدا را سجده کن زیرا که شهادت عیسی روح نبوّت است.

طهور پادشاه پادشاهان

¹¹ و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که

سوارش: امین و حقّ نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید،¹² و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ‌کس آن را نمی‌داند.¹³ و جامهای خون آلود دربر دارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند.¹⁴ و لشکریایی که در آسمانند، بر اسبهای سفید و به کتان سفید و پاک ملّیس از عقب او می‌آمدند.¹⁵ و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن اُمّت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود؛ و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود میافشرد.¹⁶ و بر لباس و ران او نامی مرقوم است: یعنی پادشاه پادشاهان و ربّالارباب.

غلبه بر وحش

¹⁷ و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند، ندا کرده، می‌گوید: بیاید و بجهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید.¹⁸ تا بخوریدگوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر.

¹⁹ و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکریهای ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب سوار و لشکر او جنگ کنند.²⁰ و وحش گرفتار شد و نبی کاذب با وی که پیش او معجزات ظاهر می‌کرد تا به آنها آنانی را که نشان وحش را دارند و صورت او را می‌پرستند، گمراه کند. این هر دو، زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند.²¹ و باقیان به شمشیری که از دهان اسبسوار بیرون می‌آمد کشته شدند و تمامی مرغان از گوشت ایشان سیر گردیدند.